



حسینی حسنیار شغنائی

۱۸ جدی ۱۳۹۰

سلسله مقالات " مبانی مذهب اسماعیلی " (9)

آشنایی با شخصیت، کار و فعالیت برخی از رجل برجسته اسماعیلی

ابو عبدالله شیعی

شرح حال یکی از شاخصترین داعیان اسماعیلی در شمال آفریقا

زندگانی ابو عبدالله قبل از پیوستن به اسماعیلیان

حسین بن احمد بن زکریا معروف به ابو عبدالله شیعی (295 ق/ 911 م)، یکی برجسته ترین و مبتکرترین داعیان اسماعیلی در تاریخ این مذهب محسوب میشود. راجع به محل تولد و نوجوانی ابو عبدالله معلومات زیاد در دست نیست. فقط اینجا و آنجا بصورت پراکنده درباره زندگی او قبل از پیوستن به اسماعلیه نوشته اند. در مورد زادگاه ابو عبدالله اخبار ضد و نقیض در دست اند، برخی بر آن اند که وی از مردم کوفه بود(قاضی افتتاح ص30)، درین میان گروه دیگری نیز هستند که او را اصلا از مردم یمن میدانند ، و برین باور اند که وی از زادگاهش یمن غرض پیشبرد کار دعوت به آفریقا گسیل شد. این گروه می افزایند که وی در آفریقا خود صنعانی معرفی کرده است. چیزیکه تا کنون بدست آمده همین است و بس.

ورود ابو عبدالله به دعوت

ابو عبدالله در نیمه دوم قرن سوم به اسماعیلیان پیوست. ابن حوشب که در آنوقت داعی یمن بود، و شمال آفریقا نیز در قیمومیت او بود، ابو عبدالله را بعد از آموزش مسائل مبهم و اساسی غرض دعوت به شمال آفریقا فرستاد. ابو عبدالله با شکیبایی تمام مدت 15 سال را در آنجا بسربرد. وی در مدت پانزده سال چنان قدرت بهم رساند، و در بین اقوام بربر اعتبار و نفوذ غیر قابل انتظار را کسب کرد، همین اقتدار و نفوذ باعث شد، که به کمک و دستیاری بربرها حاکمیت عباسیان را در شمال آفریقا منقرض کرد. ابو عبدالله در بین اقوام بربر به جمع اوری سپاه مشغول شد. با سپاهیکه تهیه کرده بود، تقریبا بدون جنگ و خونریزی قدرت بنی اغلب (184 – 294 ق/ 800 – 909 م) را برهم زد، و شهر قیروان پایتخت آنها را تصرف نمود. یگانه منبع معتبر در باره ابو عبدالله در آن به تفصیل سخن رفته کتاب افتتاح الدعوت، نوشته قاضی نعمان میباشد. کتاب افتتاح الدعوت در سال 346 ق/ 957 م نوشته شده است. قاضی نعمان درین کتاب شیوه کار و نحوه ی تبلیغ او را بصورت مشروح توضیح نموده است.

گفته و نوشته قاضی نعمان از آن سبب قابل ارزش اند ، که او را میتوان یکی تئورین (نظریه پرداز) های مذهبی فاطمیان به حساب آورد. افتتاح الدعوت تاریخ دعوت اسماعیلیه بعد از دوره ستر و شروع فعالیت‌های علنی در یمن را در بر دارد، قسم دیگر این کتاب با ارزش، ظهور عبیدالله المهدی و آغاز خلافت فاطمیان در شمال افریقا را مورد بررسی قرار داده ، حوادث و وقایع همین دوره را تحریر نموده است. هرچند کسانی دیگری هم وقایع این دوره را نوشته اند ولی تمام آنها در نوشته هایشان با پراگندگی وقایع دچار شده اند، قاضی نعمان تمام وقایع را یکپارچه بصورت منظم و مشرح نگاشته است. روی همین ویژگیها بود که نویسندگان بعدی که راجع به دعوت اسماعیلیان در یمن و شمال افریقا تحقیق کرده اند، نوشته قاضی نعمان را اساس گزارش خود قرار داده اند. حتا برخی از مورخان بزرگ چون طبری (224-310 هق) و ابن اثیر (متوفای 630 یا 632 هق) نیز در نوشته های خود سود جسته اند. ازین طریق نوشته های قاضی نعمان وارد جریان اصلی تاریخ نگاری عمومی اسلامی شده است. و ازین طریق مقام رفیع قاضی نعمان علاوه بر سایر علوم در واقعه نگاری نیز تثبیت گردید. یکی از علل درج دقیق وقایع در آثار قاضی این است که وی یکی از بلندپایگان خلافت فاطمی بود و به تمام اسناد فاطمیان و حتا مکاتبات و مراسلات بنی اغلب که مقدم بر فاطمیان در شمال افریقا حکمرانی میکردند، نیز دسترسی داشت، و از آنها استفاده کرده است.

ابوعبدالله را مرد با تقوا، پرهیزگار، عادل و دانشمند تعریف میکنند. درباره تحصیلات این مرد مدبر و با دانش در هیچ جا چیزی نوشته نشده است. ناگفته پیداست که اسماعیلیان همواره برای پیروان خود و بخصوص برای داعیان دروس مشخص را مدنظر گرفته بودند. برای آنهایکه قرار بود به جاهای دیگر بحیث مبلغ فرستاده شوند، درسهای مخصوص تدریس میشدند. از گفته های قاضی نعمان در کتاب افتتاح الدعوت بر می آید که ابوعبدالله در علم باطن مهارت زیاد داشته است (صفحه 30). در کتاب مذکور قاضی نعمان از وی در مورد آنکه از علم باطن آگاه بوده و در پیاده کردن آن سعی بلیغ کرده است به افتخار یاد میکند.

ابن حماد (متوفی 1231 م) مورخ الجزایری مینویسد که ابوعبدالله قبل از پیوستن به اسماعیلیان در بصره محتسب بود. هرچند مورخ مذکور محتمل میداند که شاید این سمت از آن برادرش ابوالعباس بوده باشد. در ضمن عذاری سخنانی از ابوعبدالله نقل میکند، که وی در آن خود را عراقی معرفی کرده، و در خدمت سلطان اشتغال داشته است. اگر عذاری درین سخنان مبالغه نکرده باشد، و این سخنان از گفته ابوعبدالله باشند، احتمال محتسب بودنش را بیشتر تقویه مینماید. خلیفها برین باور اند که ابوعبدالله قبل از پیوستن به اسماعیلیه در مذهب شیعه اثناعشری بود. بعد از آنکه امام دوازدهم آنها کشته شد، و دیگری کسی نبود که به جای وی بنشیند، و پیروانش سراسیمه و پراکنده شدند، و امیدشان از همه طرف قطع شد، عده به مذاهب دیگر از جمله اسماعیلیه روی آوردند که امام زنده و حاضر داشتند. این سخن در مورد چندین نفر از جمله ابن حوشب نیز صدق میکند. هرچه باشد بگذار باشد، خارج از موضوع است. رویهمرفته شیعی یکی از معروفترین داعیان اسماعیلی در عصر فاطمیان بحساب میرود.

ورود ابو عبدالله به اسماعیلیه

در مورد ورود ابو عبدالله شیعی به اسماعیلیه در آثار هیچ یک از مورخانیکه در مورد فاطمیان تحقیق کرده اند چیزی نیامده است، که میتوان بصورت کلی بر آن اتکا کرد. دایرة المعارف اسلامی از قول یمانى نوشته است که ابو عبدالله و برادرش ابوالعباس در مذهب شیعه بودند. این دو در همسایگی با یکی از داعیان فاطمی بنام ابوعلی در کوفه همسایه بوده اند. برادران (ابوالعباس و ابو عبدالله) به پذیرش کیش اسماعیلی رغبت نشان میدادند. ابوعلی داعی هم بوساطت فیروز درخواست برادران را پذیرفت، و ایشان را وارد مرکز دعوت نمود. سپس برادران به دستور امام وقت غرض پیشبرد کار دعوت به مصر فرستاده شدند. پس از آن ابو عبدالله از مصر به یمن رفت و در آنجا ابن حوشب او را زیر بال پرورش خویش قرار داد. اگر این فرضیه را به عنوان حقیقت بپذیریم که ابو عبدالله در زمان امام عبیدالله المهدی به مصر رفته باشد، پس باید چند سال قبل ازین وارد سازمان دعوت اسماعیلی شده باشد. از قراین بر می آید که اسماعیلیان اول افراد تازه وارد را درس میدادند، تا از مسائل کلی مربوط به شیعه و اصول اسلامی آگاه شوند، بعد آنهایکه دارای استعداد بهتر میبودند، آنها را تحت تربیت و پرورش ویژه قرار داده تا برای پیشبرد کار دعوت از ایشان استفاده نمایند. داعی ادريس عمادالدین (794 – 834 ق) در عیون الاخبار مینویسد که ابو عبدالله شیعی در زمان امام رضی الدین عبدالله وارد مذهب اسماعیلی شد.

شیعی یکی از زبده ترین داعیان اسماعیلی بود که در فضای سیاسی مملو از رعب و استبداد عباسیان دل به دریا زده در شمال افریقا برای گسترش کار دعوت پایگاه بزرگی را ایجاد نمود که بالاخره به ایجاد یک امپراتوری بزرگ شیعه منتج گردید. اقصای مغرب اسلامی یکی از نقاطی بود که امامان اسماعیلی همواره بدان توجه خاصی را مبذول داشتند. بذل توجه امامان و فعالیت خستگی ناپذیر داعیان اسماعیلی باعث ایجاد پایگاه وسیع دعوت نه تنها در شمال افریقا بلکه در تمام بلاد اسلامی گردید. قاضی نعمان در افتتاح الدعوت مینویسد که قبل از شیعی نیز چند نفر از داعیان بنامهای حلوانی و ابوسفیان به دیار مغرب فرستاده شده بودند.

چنانچه در بالا تذکر یافت شیعی اول به یمن گسیل شد. وی مدت یکسال را در یمن سپری نمود و آموزشهای لازم را از داعی ابن حوشب فرا گرفت. بعد از یک سال اقامت در یمن عازم مکه شد. در مکه با عده ی از حجاج مغربی آشنا شد. ابو عبدالله همراه با کاروان حجاج مغربی وارد افریقا شد. شیعی در مسیر راه خود را برای حجاج معلم معرفی کرد. حجاج مغربی برای اینکه مدتی با وی همسفر بودند، شیفته او شدند. در مسیر راه از اوضاع سیاسی و طرزحکومت داری حکام پرسش نمود. با درایتی که داشت معلومات زیاد و مفید را بدست آورد. شیعی بعد از تحلیل و تجزیه دریافت که مردم کتامة تا چه اندازه آمادگی اصلاحات اجتماعی و سیاسی را دارند. از سوی دیگر از لابلای صحبتهای همراهانش دریافت که مردم کتامة مردمانی شجاع، جنگجو و نیرومند اند که تعدادشان معلوم نیست. آنها بدور از نظارت حکمرانان بنی اغلب دارای استقلال سیاسی بودند. شیعی زمانیکه وارد سرزمین بربرها شد، از بی سروسامانی و ناتوانی حاکمان اغلیبان بهره بسیار ببرد.

با گذشت زمان نه چندان زیاد شیعی در بین اقوام بربر کتامة از شهرت بسزایی برخوردار شد. شهرت شیعی را در بین بربرها، آنهایی فراهم کردند که در سفر حج با وی همراه بودند. هریک از حجاج در بین قبایل خود از دانش او تعریف میکردند. انگاه جمع کثیری از سران به نزد وی شتافتند. از جمله برجسته ترین آنها که قاضی نعمان نام برده است عبارت بودند از ، هارون بن یونس معروف به شیخ المشایخ، حسن بن هارون از سران قبیله غشمان، ابویوسف ماکنون بن ضباره و پسربرادرش ابوزاکی تمام بن معارک از قبیله اجانه. قاضی نعمان در ادامه این موضوع مینویسد، که چون ابو عبدالله از مشرق آمده بود بزودی در بین بربرها به مشرقی شهرت یافت، و آنهاییکه بوی پیوستند ایشان را مشارقه می نامیدند. (قاضی نعمان، افتتاح الدعوت صفحات 49 – 53).

روش فعالیت‌های ابو عبدالله به دو عامل متکی بود: دعوت به آرمانهای عدالت خواهانه، نظم انقلابی برپایه ضابطه های اخلاقی و سنن مذهبی شیعه. بربرها مردمانی شکست خورده و غیرعرب بودند که همواره از يك اصلاح اجتماعی بر ضد حکومت مرکزی استقبال می کردند. بربرها بر طبق فرهنگ آبیایی خویش یکدیگر را "یا اخانا" (برادر) میخواندند، شیعی نیز هریک را با همین نام میخواند و آنها نیز او را برادر میخواندند. در یک سخن شیعی تخم برادری را در بین آنها بذر کرد. این امر موجب شد که اقوام مختلف بربر اختلافات را فراموش کردند، و خود را یکپارچه احساس نمودند. ابو عبدالله با پاکي و شیوه زاهدانه خویش جامعه کوچک بربرها را در مقابل بیعدالتی، فساد و بی بندوباری دستگاه حکومت بنی اغلب تحریک نمود.

ابو عبدالله کار دعوت را در سال 280 ق/ 893 میلادی در شمال افریقا شروع نمود، و بعد از گذشت نه چندان مدت طولانی مرکز دعوت را از ایكجان به تازروت انتقال داد. در تازروت برای نخستین بار دارالهجره (مرکز دعوت) را برای همکیشانانش ساخت. تازروت مدت ده سال مرکز دعوت باقی ماند.

شیعی با کار متداوم و خستگی ناپذیر موفق شد به کمک بربرهاییکه تازه به مذهب اسماعیلی گرویده بودند، حاکمیت اغلبیان را که از سال 184 ق/ 800 میلادی نیابت عباسیان را در افریقا داشتند، بسال 296 ق/ 908 میلادی با فتح کامل قیروان پایتخت بنی اغلب پایان. آخرین حکمران اغلبی زیادت الله سوم شهر قیروان را ترک نموده به مصر فرار کرد، و شهر بدست سپاهیان ابو عبدالله افتاد. چند ماه بعد به سال 909 میلادی شیعی فاتحانه وارد قیروان شد. بدین ترتیب خلافت فاطمیان نخستین دولت شیعه در تاریخ پایه گذاری شد، و ابو عبدالله شیعی را میتوان پایه گذار این امپراتوری بزرگ نامید. ابو عبدالله خلافت را به صاحب اصلی اش امام عبیدالله المهدی تحویل داد. امام عبیدالله المهدی نخستین خلیفه فاطمی میباشد که بسال 909 میلادی در قیروان اعلان خلافت نمود. ابو عبدالله بعد از اتمام کار دعوت به کارهای دعوت ادامه داد، خود در مجالس حاضر میشد و برای مردم اعم از سنی و اسماعیلی تدریس اصول دین مینمود. ابو عبدالله فراگیری سواد را برای زنان و مردان حتمی و ضروری شمرد. مجالس تعلیمی برای زنان و مردان دائر میگردد.

ابو عبدالله شیعی بسال 298 ق/ 911 میلادی بصورت مرموز درگذشت. خلیفه و امام اسماعیلی بر جنازه داعی بزرگ و اساسگذار خلافت فاطمی نماز گزارد و خود بر وی کفن پوشاند و او را در قبر نهاد.

منابع:

- ✓ رجوع کنید به مدخل ابو عبدالله شیعی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 5، ص 685 - 690.
- ✓ بهترین منبع درباره فعالیت‌های اسماعیلیه در شمال آفریقا و تاسیس حکومت فاطمیان و فعالیت‌های ابو عبدالله شیعی کتاب افتتاح الدعوة قاضی نعمان است.